

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

اللهم صل علی محمد و آل محمد

سوره مبارکه تیه (جله ششم)

ختم مفهومی استاد اخوت ۱۳/۱۲/۹۶

برای اینکه کسانی که به زیارت رفته‌اند زیارتشان قبول باشد و هم کسانی که به زیارت نرفته‌اند در قبولی زیارت آنها شریک شوند، صلواتی ختم برمایید.

آنچه در این سوره گفته شد اینکه مؤلفه‌های هر آیه را با آیات دیگر بسنجیم. آیه (وَمَا تَفَرَّقَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ) با منفک نبودن و دست‌یابی به «بینه» بررسی شود و نیز با «تلاوت» و «کتب قیمه» و «امر به عبودیت» و «دین قیمه» و بحث «جزاء کفر و ایمان» بحث شود.

«تفرّق» به معنای خارج شدن از وحدت است و در این جا منظور وحدتی که در طبع انسان قرار داده شده است و به آن وحدت فطری گفته می‌شود. برای انسان، وحدت فطری قرار داده است و بر اساس این وحدت نظام‌های جهانی تشکیل می‌شوند اما به دلیل اغوای شیطان نظام‌های جهانی به سمت انحراف کشیده می‌شوند. وقتی تفرق با هر کدام از این‌ها بررسی شود یک‌سری نتایج به ما می‌دهد که قبلا سه مورد اول آن بررسی شده است و امروز به امر به عبودیت رسیده‌ایم.

- نسبت «تفرق» و «بینه»: «تفرق» از نشانه‌های «بینه» است. خیلی وقت‌ها خیلی از موارد نامطلوبی که در جامعه بروز می‌یابد به خاطر اقدام مثبتی است که پیش از آن انجام شده است؛ به عنوان مثال جنگ تحمیلی هشت ساله به واسطه اتفاق خوب انقلاب بوده است. فشارهایی که بر ملت‌هایی مثل یمن و بحرین وارد می‌شود به دلیل اتفاقات خوبی است که در بین آنها در حال شکل‌گیری است. حوادث ناخوشی است اما در درون خودش هم نویدهایی دارد.

- نسبت «تفرق» با «رسول»: نسبت «تفرق» با «رسول» را می‌سنجیم و می‌بینیم که ذات رسول و تلاوت، وحدت است و اگر تفرقی ایجاد شود به عنوان عارضه و آسیب است. رسول و تلاوتش با تفرق میانه خوبی ندارند و تفرق از عوارض تلاوت کتاب است و گرنه تلاوت کتاب هیچ‌کسی را دعوت به تفرق نمی‌کند. تفرق در زندگی ما هم

هست، اگر حتی در زندگی خانوادگی تفرق ایجاد شود این به معنای جدا شدن از رسول است و این یک عارضه است. تفرق عارضه تلاوت رسول است.

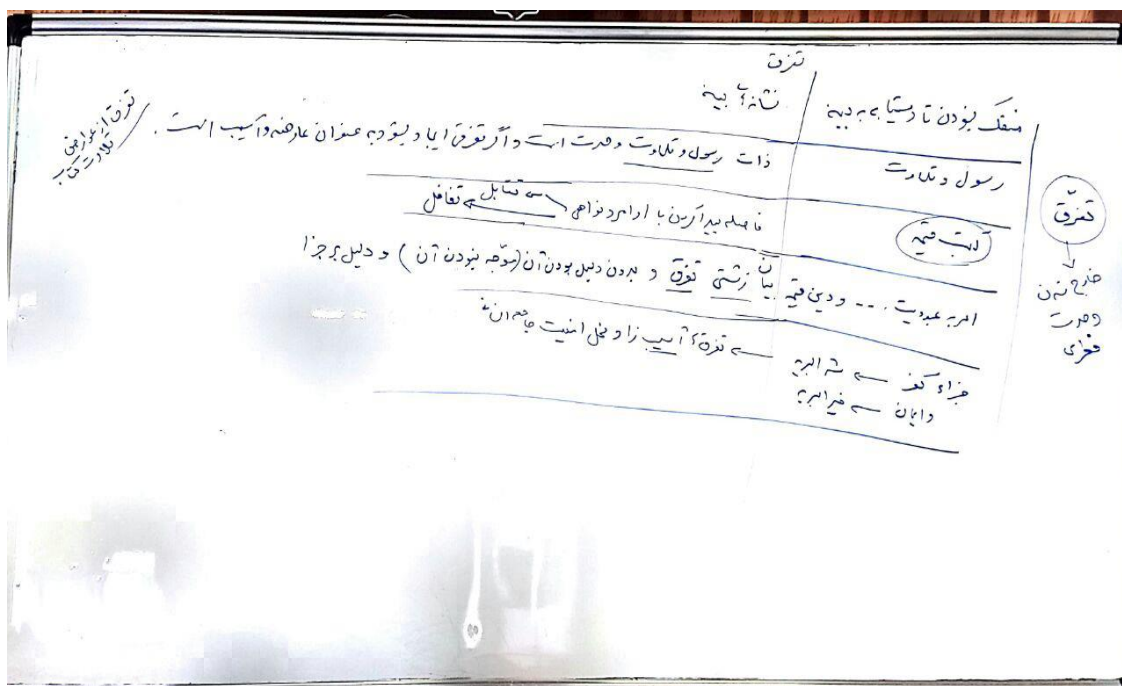
- **نسبت تفرق و کتب قیمه:** «کتب قیمه» تفصیل «بینات» است. وقتی بینه در سطح جامعه می آید، می شود «اوامر» و «نواهی». فاصله پیدا کردن با اوامر و نواهی که یا حالت «تغافل» دارد یا «تقابل». اگر تفرق ایجاد شود اوامر و نواهی یا فراموش می شوند که می شود تغافل یا حالت تقابل به خود می گیرد. اگر با احکام دین آشنا نباشیم دچار نوعی فاصله خواهیم شد.

- **نسبت تفرق با امر به عبودیت:** «و ما امروا» را می توان به صورت حال در نظر گرفت. این در حالی بود که امر بینه برای آن ها آمد. زشتی تفرق به وسیله «و ما امروا» معلوم می شود. مثل این که به کسی می گویم کار خوبی انجام بده اما لجبازی می کند. حرف اساسی همه انبیاء (علیهم السلام) عبودیت خدا بود. بیان زشتی تفرق و موجه نبودن دلیل این تفرق. وقتی کاری در ساحت انسان بدون دلیل انجام شود چه او دین دار باشد و چه نباشد، به دلیل وجود عقل در ساحت او مجازات خواهد داشت. اگر انسانی بالغ کاری بدون دلیل انجام دهد در پیشگاه خدا دارای مجازات است. بنابراین در نسبت این دو مؤلفه، هیچ کسی حق ندارد از وحدت فطری حتی در خانواده تفرق داشته باشد و از این منشور فاصله بگیرد.

**نسبت تفرق و جزاء:** جزایایی که در قالب «شرالبریه» و «خیرالبریه» عنوان شده است نشان می دهد تفرق ها آسیب زا و مخل امنیت جامعه انسانی هستند، چرا که تفرق تبدیل به کفر می شود. چیزی به عنوان (چهاردیواری اختیاری) نداریم.

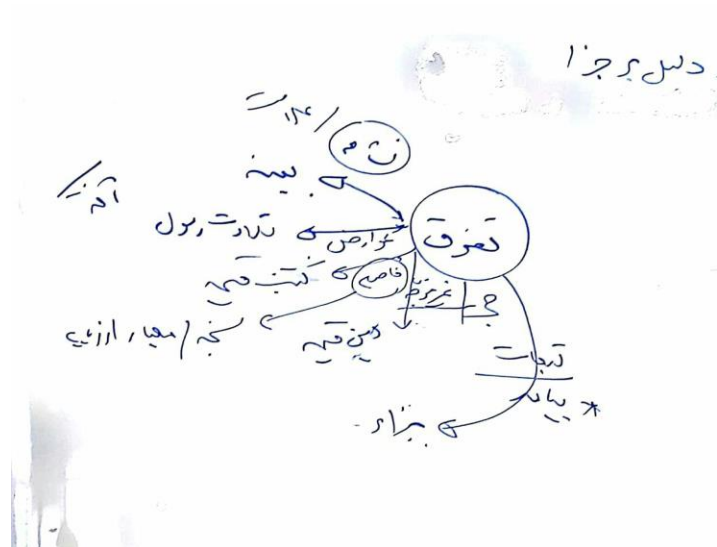
در زمان امیرالمؤمنین (علیه السلام)، خلفا بر مبنایی که تشخیص دادند و خلاف نظر رسول الله (صلی الله علیه و آله) سقیفه تشکیل دادند و گفتند که پیامبر (صلی الله علیه و آله) در جایگاهی نیست که بخواهد خلیفه تعیین کند و باید بر اساس نظر جمعی باشد. در این شرایط عده ای از مردم گفتند چهاردیواری اختیاری! پس ما فقط به حفظ دین خود می پردازیم و به این ترتیب عده ای ساکت نشستند و گفتند به ما ربطی ندارد و ما باید به زندگی مان برسیم و اصلا حکومت امری جدا از دین است و ما را چه به سیاست! اصلا هرکسی خلیفه شد ما که پیش امیرالمؤمنین (علیه السلام) می رویم و با بقیه کاری نداریم و این گونه عده ای شدند عاملان توطئه و تفرقه و هنوز که هنوز است بعد از سالیان سال انواع فرقه های انحرافی نتیجه آسیب همان سکوت است. خدا انسان، دین و دین داری انسان را این گونه قرار

نداده است. کما اینکه وحدت ایجاد خیرالبریه می کند و خیرات و برکات آن به بقیه هم می رسد. جریان خیرات و برکات از جانب وحدت است.



بحث تفرق خیلی جالب است، مؤلفه هایش می شود:

تفرق با بینه نشانه می شود. با تلاوت رسول عارضه می شود. با کتب قیمه می شود، فاصله. با دین قیمه می شود، غیرموجه بودن. در این جا دین قیمه را حجت می گوئیم. تفرق با جزا هم می شود، تبعات و پیامدهایش. برای فاصله هم می شود سنجه، که معیار ارزیابی است. اگر این مؤلفه ها را عربی کنیم، در سوره بحث «نشانه» می شود، «علامت» و «علت» و نیز بحث «آفت»، «سنجه»، «حجت» و «تبعات» را خواهیم داشت.



هر کسی را می‌خواهید میزان تفرقش را از دین بسنجید، می‌توان به میزان عمل نکردن او به اوامر و نواهی سنجید. این که چقدر فرد در ساحت وحدت دینی است و چقدر فاصله دارد به راحتی قابل ارزیابی است. مجموعه شناخت-های او، اگر نسبت به و رسول و دین کامل نباشد، جزء عوارض قرار می‌گیرد.

بر اساس این مؤلفه‌ها می‌توان فرمی تهیه کرد و به فرد نمره داد که چقدر تفرق دارد. هر کسی برای جلسه بعد فرمی تهیه کند. هر چه به حالت ایده‌آل نزدیک بودید، صد و به میزان فاصله از آن امتیازی بدهید. نرسید که تفرق داشته باشید، بهتر است که قبل از مرگ بدانیم که فاصله‌مان چقدر است و این که بگوییم با گفتن (ان‌شاءالله که وضع‌مان خوب است) نمی‌شود، با این حرف‌ها کسی را به بهشت نمی‌برند، چراکه وضعیت بهشت تکوینی است و جعلی نیست. شفاعت و غیره در ساحت تکوینی است و نه جعل. فرد باید از نظر تکوینی به وضعیتی برسد که شفاعت آن‌هم که امری تکوینی است شامل حالش شود. خدا هم یعنی تکوین و تکوین آیت الله صغری خداست. تکوین یعنی نظام علت و معلول، نظام علی، هر آن‌چه انجام می‌شود علتی دارد. نظام اسباب آیت الله اصغر خداست. در دل تکوین قرار دارد. فرضاً برای ساخت یک ماده راه‌های مختلفی وجود دارد، این در نظام اسباب است اما اینکه ساخت آن حتماً باید علتی داشته باشد، در نظام علی است. برای جلسه بعد فرمی می‌خواهم بدون اسم باشد اما سوال-ها و درصدها مشخص شود.

ممکن است کسی به این نتیجه برسد که صد در صد دین‌دار است، هیچ اشکالی ندارد و این خیلی خوب است. عده‌ای باید باشند که محبتین الهی باشند. باید سوره مبارکه هود را بخواند تا بفهمد که خدا چه انتظاری از محبتین دارد.

هشت فرم سنجش می‌توان تهیه کرد که هر کدام از منظری به دینداری می‌پردازد و هیچ‌کس نمی‌تواند از آن فرار کند و این خاصیت بین‌های خدا و نور اوست، جاری شدن نظام عقلانی در عالم است و قابل انکار نیست.

### امر به عبودیت

وَمَا أُمْرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ حُنَفَاءَ وَيُقِيمُوا الصَّلَاةَ وَيُؤْتُوا الزَّكَاةَ وَذَلِكَ دِينُ الْقِيَمَةِ (۵)

- عبودیت بدون شائبه و انحصار دین برای خدا عبودیتی که منحصر و خالصانه دین را برای خدا می‌داند. اینجا «دین» با «عبودیت» می‌آید. قائل به این هستند که فقط خداست که دارای دین است و سبک و نوع زندگی را فقط خدا باید تعیین کند. مثل له الدین، له الحکم، له الحمد و له الملک. این «له»‌های قرآن انحصار دارند. در عمل و قول این موضوع را انعکاس می‌دهند. در واقع مخلصین له الدین، دین را به صورت خالصانه تلاوت می‌کنند. رسولی که «یتلو»، عبدی که یتلو و این عبد غیر دین را تلاوت نمی‌کند. وقتی در کل عالم دین را برای خدا قرار می‌دهند، علم بخشی از این دین می‌شود.

- عبودیتی خالصا و مخلصا است. این‌ها باید حنیف باشند، یعنی در باورها، توجهات، صفات و رفتار افراط و تفریطی ندارند و عدل در آنها جریان دارد. برنامه‌ریزی آنها به دور از افراط و تفریط است و در همه ابعاد وجودی در حالت اعتدال هستند. هر چیزی افراط و تفریط آن مربوط به خودش است. این اعتدال نتیجه «عبودیت» است. در واقع حکم‌دانی و حکم‌شناسی و عمل به حکم الهی نتیجه‌اش «حنیف» بودن است؛ مثلاً شما راجع به چه چیزهایی فکر می‌کنید؟ می‌گویید در مورد هر آن‌چه که خدا گفته است. خدا گفته در مورد آیات الهی فکر کنید و آیات مثلاً شب و روز هستند. فکر می‌کنید یعنی در زندگی ساعاتی را به موضوع شب و روز می‌پردازیم، در قرآن گفته است تدبر در آیات و تفکر در آیات داشته باشید. حالا باید بدانند تفکر و تعقل و تدبر دقیقاً چیست. اگر خدا در قرآن حرفی زد یعنی افرادی که قرآن می‌خوانند باید آن را در صحنه زندگی عملیاتی کنند، تفکر با تعقلون کردن حتماً فرق دارد یا یتذکرون با یتعقلون فرق دارد. پس باید برای خروج از افراط و تفریط این‌گونه عمل کرد. تفریط است اگر ندانی فرق این‌ها چیست و افراط است اگر فقط به بخشی از آن پردازی و از بقیه غافل شوی. فقط وارد فضای شب و روز می‌شود اما تفکر در آن دقیقاً یعنی چی که خدا خواسته است. حنیف بودن از علم به اوامری که خداوند برای عبودیت در دین قرار داده است نشأت می‌گیرد. اگر کسی نداند که باید برود دنبال علم و دین و امر که تا آن را



را به آن ربط می‌دهی و باید ذهن مخاطب خانه‌شناس باشد. قیمة بودن این‌جا را از کتب قیمة می‌توان فهمید. ظاهراً کتب قیمة می‌تواند معرف دین قیمة باشد. هر شریعتی را خواستی بشناسی برو ببین که اوامر و نواهی آن چیست.

امر به عبودیت به کفر و فساد است  
دین را بر آید از آن

نسبت امر به عبودیت و همه این زنجیره با منفک نبودن ما (که یا اهل کتابیم و کتاب داریم یا مشرکیم) از بینه: یا به عبارتی نسبت دین قیمة با بینه را بررسی می‌کنیم، بینه آشکارساز «و ما امروا» است. این گزاره بینه را با امر به عبودیت می‌بیند و این خیلی صحیح است. بینه را با امر به عبودیت می‌سنجیم و این‌گونه می‌گوییم ولی اگر بخواهیم نسبت امر به عبودیت و بینه را بگوییم چه می‌شود؟ ممکن است در هر دو زاویه نگاه به یک گزاره برسیم و اشکالی هم ندارد. می‌توان گفت که «و ما امروا» غایت بینه است، یا ثمره بینه است، یا محصول بینه است، یا منشور و یا محتوای هر بینه است. ماهیت درونی و محتوایی بینه و روح بینه و ما امروا است. اگر این نباشد بینه حرفی برای گفتن ندارد. عامل و فلسفه وجودی بینه است. اگر همه انبیاء (علیهم‌السلام) را یک‌جا جمع کنیم و بخواهیم از آن‌ها که بگویند منشور حرفهای شما چیست؟ بدون هیچ تفرقی این آیه را می‌گویند. رو کردن بینه برای دیگران گفتن این آیه است که (وَمَا أُمْرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ حُنَفَاءَ وَيُقِيمُوا الصَّلَاةَ وَيُؤْتُوا الزَّكَاةَ) در غیر این صورت هر چه بگویی غیر بینه است. حتی خود رسول برای ظهور پیدا کردنش با این آیه است و در واقع رسول بودن او با این آیه موضوعیت پیدا می‌کند و این پیام رسول در هر تلاوتی است. با این که تلاوت‌ها گوناگون است اما همه آن‌ها یک حرف می‌زنند. حتی این می‌تواند شاخص رسول باشد.

فهم صدق رسول با این است که ببینیم در ساختار رسول آیا اقامه نماز و ایتاء زکات و حنیف بودن هست یا نه. پیام رسول است که او را معرفی می‌کند نه معجزه او. هر رسولی باید پیام داشته باشد و باید پیامش این آیه باشد و این آیه شاخص رسولیت رسول است و این آیه از غرر کل قرآن است که به انسان رسول‌شناسی یاد می‌دهد. حقانیت

رسولان رسول هم با همین آیه مشخص می‌شود. اگر حکومتی مثل حکومت جمهوری اسلامی که ادعای دینی بودن دارد برای فهم بر حق بودنش باید با شاخص این آیه آن را سنجید، اگر در کشوری حنیف بودن زیر سؤال برود مثلاً بگوید برای رسیدن به اهدافمان قتل کودکان را جایز می‌دانیم، این یعنی از دین خارج است. هرکسی را به هر صورتی نمی‌توان قبول کرد و باید برای پذیرش، ضابطه داشت. احکام افراطی زیادی در بین داعشی‌ها وجود دارد. این که فرضاً انداختن بچه‌ای را در آتش به اسلام نسبت دهند یعنی خیلی مسخ و سحر شده هستند و این اختلال است. قرار گرفتن در ذیل حکومت عربستان و وهابیت، نشانه نوعی مسخ‌شدگی فراوان است.

خوبی دین این است که اگر فرد اهل خشیت باشد، افراط و تفریط در آن به راحتی برای همه قابل فهم است. نیازی به معجزه نیست. همین که احکام را معرفی کند، کافی است. امر به عبودیت اولین حرفی است که هر امام و رسولی می‌گوید و بیان توحید بر اساس آنچه قرآن گفته است و بیان شاخصه‌های دین و دینداری که یا بر اساس آن چیزی است که رسول معرفی می‌کند یا غیر از این است. کسانی که ادعای «امامت» می‌کنند در همین جا به مشکل می‌خورند و دیگر راهی برای ادعا نیست.

**امر به عبودیت با کتب:** روح همه اوامر و نواهی الهی به وسیله دین است و هر آنچه در مورد بینه می‌گوییم در مورد کتب قیمه هم می‌گوییم اما تفاوتی که دارد این است که دین قیمه مولد کتب قیمه است. چون دین قیمه است کتب قیمه می‌شود. اگر دین قیمه است، باید همه کتب قیمه باشد. روایتی عجیبی در این باب هست که می‌گوید: اگر کسی مکتوبه‌ای (واجبی که خدا ثبت کرده است، همان کتب قیمه می‌شود) را عمل کند، در آن، یک دعای مستجاب دارد. (مَنْ أَدَّ لِلَّهِ مَكْتُوبَةً وَ لَهَا فِي أَثَرِهَا دَعْوَاتُ مُسْتَجَابًا) می‌خواهد بگوید یک جریان تکوینی است.

**امر به عبودیت وقتی با تفرق:** امر به عبودیت وقتی با تفرق در نظر گرفته شود در واقع می‌شود اینکه عدم اقتضاء به دریافت عبودیت عامل تفرق است. عدم اقتضاء در حنیف بودن و پذیرش، عامل تفرق می‌شود. عدم اقتضاء یعنی فرد خود را دور می‌کند و در معرض امر قرار نمی‌دهد و از آن فرار می‌کند. عبودیت در خود پذیرش و اقتضاء پذیرش می‌خواهد و تفرق محصول عدم پذیرش است و این خیلی مهم است. گاهی انسان‌ها امرخواه و امرطلب هستند و برخی امرگریز هستند و کسی که از امر الهی گریزان است تابع هر کسی خواهد شد و ارباب متفرق خواهد داشت. اگر از امر خدای واحد قهار عدول کردی یعنی با ارباب‌های متفرقی روبرو خواهی شد، چرا که این ارباب در



خودشان هم دچار تفرق هستند. تفرق حالت‌های مختلفی دارد. اگر دو تا مؤمن از هم دلگیر می‌شوند یعنی حتما دچار تفرق شده‌اند.

سنگ نبودن از بین	بین آسار ز ما اردا - - / و ما اردا مات بین آ
رسول و تدارت	پیام رسول در تلاوت هر کجینه / ان نفس اولی / هانفرا اولی / روح / منوره / فله و جود
لبسته	(دج) چه او اردو نواحی الهی / دین فیه موله ت فیه - -
تفرق	مال تفرق امر عبودیت / لیه اضعفا در بزرگی عبودیت / ضیف بودن / حاصل تفرق
امیر عبودیت	جاء کف - - تم البرج دایان - - فی البرج

\*\*\*

بسم الله الرحمن الرحيم الحمد لله رب العالمين اللهم صل على محمد و آل محمد

سخنی با دوستان مدرسه دانشجویی قرآن و عترت (علیهم السلام)

با سلام خدمت همه بزرگواران که با اخلاص و ارادت به ساحت قرآن و اهل بیت (علیهم السلام) خود را در کلاس- های تدبیر و سایر کلاس‌های جانبی حاضر نمودند و درصدد تقویت دین خدا هستند.

سلام بر مجاهدت‌ها و صبرها و تلاش‌های مجدانه شما که در مسیر اقامه دین قدم برداشته‌اید.

دور جدید مدرسه قرآن که از پس دورانی نسبتاً طولانی گذر کرده و تقریباً دو دهه به طول انجامید، دوره پیاده- سازی قرآن در شئون مختلف زندگی است. این مهم توسط شما شدنی است و همگی باید همت خود را برای تحقق این مهم صرف کنیم زیرا:

- مهجوریت قرآن صرفاً در مقام عمل و عینیت بخشی کنار می‌رود؛
- در مقام عمل است که زندگی با قرآن طعم بهشت و زندگی پاک و طیبه را رقم می‌زند؛
- در مقام عمل و عینیت بخشی است که مقاصد دین محقق می‌شود.

برای ورود به چنین افق و چشم‌اندازی لازم است:

- ۱- همه افراد انس‌شان با قرآن حداکثری باشد؛
- ۲- همه افراد به خواندن روش‌های تدبیر اهتمام داشته باشند؛
- ۳- همه افراد در عرصه و میدان عمل زندگی خود را مسلح آموزه‌های قرآن نمایند؛
- ۴- همه افراد عرصه‌ای عملیاتی از عرصه‌های اجتماعی را لمس کنند و در آنجا با مسائل و معضلات آن دست و پنجه نرم کنند.

در صورت تحقق چهار مورد فوق انتظار می‌رود جمع شادابی و تحرک علمی و عملی مناسبی را به یمن حضور قرآن درک کند و با تجلی نور قرآن توفیقات بی‌شماری را شاهد باشد.

وارد شدن در صحنه‌های عینی جامعه پیچیده و گاه غیرقابل پیش‌بینی است و نیازمند علم و حلم مناسب است و گرنه کم‌طاقتی و بریدن از لوازم آن است.

کارهای جمعی اگر جدی گرفته شود این کار سخت، آسان می‌شود.

مبنای فکر و نظر اگر در هر حال قرآن و روایات صحیح باشد کارهای نشد به کارهای شدنی تبدیل می‌شود.

بر این اساس به صورت مشخص به خواهران و برادران خود در زمینه جاری کردن زلال قرآن توصیه‌های زیر را دارم:

۱- هر یک از دوستان اوقات خود را به سه قسمت تفکیک کند. یک قسمت صرفاً به آموزش تدریجی اختصاص یابد (آموزش دیدن و آموزش دادن)

۲- هر یک از دوستان در کارگروه تخصصی عضویت فعال داشته باشد و از نظام مسائل آن واقف گردد و در صورت لزوم با عرصه‌های آن کار تخصصی ارتباط مستقیم داشته باشد.

۳- کتاب‌های آن عرصه را به خوبی و دقت مطالعه کرده تا حدی که بتواند مطالب و نظریات کتب را با قرآن مطابقت داده به صحت و سقم نظرات با بهره‌گیری از قرآن توفیق داشته باشد.

۴- ضمن مطالعه دقیق کتب عرصه به خلق فعالیت و مهارت بر اساس تدبیر در قرآن و نیز اصول و مبانی و مهارت‌های یاد شده در کتب تخصصی پردازد.

به طور مسلم مشارکت شما در این امر قرآنی که در صدد است حقایق را به صورت تفصیلی در زندگی نازل کند، موجب تألیف جمع و در نتیجه عنایات خاص حضرت بقیه الله (علیه السلام) می‌گردد.

سوگیری کلاس‌های تخصصی به چنین سمتی است.

در چنین جهت‌گیری صرف خواندن تدبیر چرخه معیوب اجتماع را نمی‌شکند بلکه باید به گونه‌ای مسلط بر موضوعات قرآن شد که بدون کمترین اشکالی به بیشترین توانایی و تولید دست یافت.

والسلام / حرم حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) / ۱۱ اسفند ۱۳۹۶

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ  
۱۱ آیتها

سنتی با دوستا مدرس دانشگاه قرآن و معرفت

با سلام خدمت همه بزرگواران که با اذلال و امارت به ساحت قرآن و اهل بیت علیهم السلام  
خود را در کمال آبرو و سایر کمال آجا به حاضر نمودند و در صدد تقدیر بنده  
خدا هستند.

سلام بر مجاهدت او صبرها و شریعت مجربانه که در مسیر آقا بن قدم برداشتم  
دور صبر به هدیه قرآن که از پس دوران نسبتاً طولانی گذر کرده و توسط خود ده  
به طول انجامید، دوره پیاده سازی قرآن در شئون مختلف زنانه است. این  
مهم توسط شما شدنی است. و همه با بر همت خود را برای تحقق این مهم صرف

کنیم زیرا:

- بحکومت قرآن صرفاً در تمام عمل و عینیت کسی کفایت رود  
- در تمام عمل است که زنانه با قرآن طعم بیست و زنانه به جای آورد  
رقم زنانه

- در تمام عمل و عینیت کسی است که تا صد دین تحقق یابد.

بنا بر ورود به جنبه افق و چشم اندازی لازم است.

- ۱- همه افراد انستت با قرآن صراحتاً با سوره
- ۲- همه افراد به خواندن درس های تدریس آنها کار با سوره
- ۳- همه افراد در عرصه و میدان عمل زنانه خود را صلح آموزه قرآن نمایند

ع - همه افراد عرصه عملی از عرصه اجتماعی را لمس کنند و در آنها با مسائل  
و معضلات آن دست و پنجه نرم کنند.

در صورت تحقق چه امور فوق انتظار می رود جمع ثواب و تحریک علمی و عملی <sup>فناپذیر</sup>  
برایم حضور و آن درک کند و با ایجاد نور رنگ تو شفا به ستاره را شاهد باشد.

دوستان عزیز

و اگر در آن در صحنه که عینی جاسم پیدا شود و کار غیر قابل پیش بینی است و نیازمند علم  
و ظلم ضابط است در آن کم طاقته و برتر از لوازم آن است :

کارهای جمعی از جمله رفته شود این کار سخت است آن می شود.

منابع فکر نظر آرد در حال قرآن در و این صبح به کار آن است که کار آن به تبدیل  
چگونه شود.

برای این اس که به صورت مشخص به خواهان و برادران خود در زمینه کار کردن زلال  
و آن توصیه های برادران :

۱ - هرگز از دوستی اوقات خود را به سه قسبت نطلبند. بد قسبت صرفاً به

آموزش تدریس تخصصی یا به ( آموزش دین و آموزش دادن )

۲ - هرگز از دوستان در کار رده تخصصی عضویت فعال داشته باشند و از نظام

مسئول آن واقف گردد و در صورت لزوم با عرصه آن کار تخصصی ارتباط مستقیم  
داشته باشد .



۳. کتابهای آن عرصه را به خوبی و دقت مطالعه کرده، ملاحظه کرده، نتوانم  
مطالب و لطایف کتب را با قرآن مطابقت داده، به صحت و سقم لغوات با بهره‌گیری از  
قرآن توفیق یافته‌ام.

۴. ضمن مطالعه دقیق کتب عرصه، خلق فعالیت‌های دما در اسکندریه در قرآن  
و تشریح اصول و مبانی آن را یاد کرده، در کتب تخصصی، به بیرون

به طور مسلم مشارکت بسیار رایج است و این که در صدد است حقایق را به صورت  
تفصیح در زبانه نازل کند، موصی تا لایف جمع و در نتیجه غنایات خاصه صفت  
بیم الله به اسم ما رود.

توسعه دادن آن تخصصی به پیش بسته است.  
در هیچ کتب تیره هرگز خواندن تدریس چرخه معیوب اقسام را نمی‌توانند به  
به زبانه اسلطان بر مضمون قرآن شده که به روش کلمات گمانه به بهترین روش  
و تولید دست یافت

والسلام  
حرم صفت به بن مری ارض

۱۱ اسفند ۱۳۹۶

تعمیل در فرج امام زمان (عج) صلوات